

شرح و تفسیر دعای مکارم اخلاق

<"xml encoding="UTF-8?">

صحیفه سجادیه، زبور آل محمد (ص) والاتر از آن است که نیازی به معرفی داشته باشد و کمتر کسی یافت می شود که از آن بی خبر باشد.

طنطاوی عالم و مفسر بزرگ مصری هنگامی که به زیارت قم نایل شد، مرحوم آیه الله نجفی مرعشی (ره) صحیفه سجادیه را به عنوان بهترین هدیه حوزه علمیه قم به او اهدا کرد. طنطاوی پس از تلاوت صحیفه، بارها یادآور می شد که «و من الشقاء عدم معرفتی للصحیفه...» یکی از بدبختی های من، ناآشنایی با صحیفه سجادیه بود. صحیفه، چاپ و ترجمه و شرح های گوناگونی دارد. چاپ کامل و جامع آن، چاپ «مدرسه الامام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» است.

دعای مکارم الاخلاق بیستمین دعای صحیفه است که معمولاً در اواخر کتاب مفاتیح الجنان نیز منتشر می شود. ادعیه و اذکار معصومان (علیهم السلام) اقیانوس های مواج معارف آسمانی اند، ولی هر کدام جهت و برجستگی ویژه ای دارند؛ مثلاً مناجات ابوحمزه ثمالی و مناجات خمسۀ عشر و دعای کمیل و... رازو نیاز و مناجات دل شدگان است، بخش هایی از دعای ندبه و افتتاح و زیارت عاشورا و... سیاسی است، زیارت جامعۀ عقیدتی و امام شناسی است و دعای مکارم الاخلاق رنگ اخلاقی دارد. اخلاقی جامع و همه جانبه، شامل مسایل روحی و روانی و اجتماعی معیشتی و خودشناسی و خودسازی و خانوادگی و... این دعا یکی از بهترین منابع درس اخلاق و موعظه بزرگان است.

شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق اثر مرحوم فلسفی

مرحوم فلسفی در ادامه جلسات فن خطابه، هفته ای یک جلسه در قم به شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق می پرداخت. این شرح و تفسیر در جلسه های متعددی در تهران ادامه یافت و مدتی نیز صدای جمهوری اسلامی ایران، نوار این درس ها را برای علاقمندان دروس معارف اسلامی پخش کرد. مجموعه این سخنرانی ها، پس از اصلاحات و تغییرات لازم و افزودن بعضی از آیات و روایات، در هشتاد و نه فصل در سه مجلد بارعایت نکات فنی لازم به صورتی زیبا و مناسب و حروفی چشم نوازه چاپ رسید. دعای «مکارم الاخلاق» برنامه انسان سازی است. حضرت امام زین العابدین (ع) در این دعا خلیقات کریمه و سجایای انسانی را بیان فرموده است. تاثیر شایسته این دعای شریف آن چنان است که اگر مشتاقان به آن خلیقات متخلق گردند، و در عمل آن ها را به کار بندند به مقام رفیع انسانیت نایل می شوند.

نکته هایی در باره این کتاب

اول) این اثر اگر چه حاصل سخنرانی های مرحوم فلسفی است ولی کاملاً متفاوت از آثار دیگر آن مرحوم است. این اثر به نوشتار تحقیقی بیشتر شباهت دارد تا گفتار. به رغم این که بر این اثر نام گفتار نهاده شده و خود آن

مرحوم نیز هنگام ارجاع، از آن به «سخنرانی» یاد می کند، مثلاً گفته است: «سخنرانی هفتم...» ولی از تمام مزایای نوشتار تحقیقی برخوردار است. (1) دوم) از آن مرحوم - به جز مقاله هایی که برای کنگره ها و بزرگداشت ها نگارش یافته - هشت اثر، به ترتیب زیر منتشر شده است:

(1) کودک از نظر وراثت و تربیت در دو مجلد؛ (2) جوان از نظر عقل و احساسات در دو مجلد؛ (3) بزرگسال و جوان از نظر افکار و تمایلات در دو مجلد؛ (4) آیه الکرسی پیام آسمانی توحید در یک جلد؛ (5) اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی در دو مجلد؛ (6) معاد از نظر روح و جسم در سه مجلد؛ (7) سخن و سخنوری از نظر بیان و فن خطابه در یک جلد؛ (8) شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق در سه مجلد؛ کتاب اخیر از آخرین آثار آن مرحوم است، از این رو بسیار سنجیده، به جا و پخته ارایه شده است. یکی از فضلی حوزه - درعهد شباب - می گفت: مرحوم فلسفی سفارش می کرد تا توانا و پخته نشده اید آثار خویش را منتشر نکنید زیرا چند صباح بعد که از علمای اعلام شدید و درباره برخی آرا و مطالب خودتان تجدیدنظر کردید یا به سطحی بودن برخی مطالب پی بردید، شرمنده می شوید.

سوم این اثر علاوه بر فهرست تفصیلی مطالب در آغاز فهرست اعلام و کتب در انجام، گاهی به پاره ای مطالب مرتبط و متناسب، که در جای دیگر آمده ارجاع و اشاره دارد، از این رو دارای انسجام و انتظام و فایده بیشتری است. به عنوان نمونه در مبحث «شرک در طاعت و عبادت» در جلد دوم، درس چهل و سوم صفحه دویست و بیست و یک خاطرنشان می کند:

در سخنرانی هفتم، جلد اول این کتاب، به بعضی از آیات و روایات اشاره شد و در این جا نیز قسمتی از آن ها ذکر می شود.

در این کتاب از داستان های جالب و واقعی، یا حکایات تاریخی، درتبیین مطالب پیچیده، استفاده شده است، همچنین از شعر و ضرب المثل بهره گرفته است.

چهارم) در نقل روایات گاهی به شرایط زمانی و مکانی و فضای سیاسی حاکم بر عهد صدور روایت یا برخی ویژگی های روانی راوی، اشاراتی - که در فهم حدیث بسیار راهگشا است - دارد. به عنوان نمونه در جلد دوم صفحه دویست و بیست و سه آورده است:

...پیشوای بزرگ اسلام، در سخنرانی حساس [در مراسم حج] در مسجدخیف سه مطلب را خاطر نشان ساخت... سفیان ثوری - مردی تحصیل کرده و حافظ احادیث - او مکرر حضور امام صادق (ع) شرفیاب شده و مطالبی را فراگرفته، اما در باطن به آن حضرت، دلبستگی و علاقه نداشت...

پنجم) از کاستی های این اثر، استفاده نکردن از کتب قدیمی لغت، برای شرح واژه های مشکل است. برای درک درست واژگانی که در زبان وحی و عصمت آمده است، باید از قرآینی سود جست که معنای واژه را در همان عصر بنمایاند، مراجعه به کتاب هایی مانند «المنجد» برای این هدف، به جا و رسا نیست. بلکه باید از کتاب العین اثر خلیل بن احمد فراهیدی، م 175 ق و المحيط فی اللغة اثر صاحب اسماعیل بن عباد، م 385 ق و مجمل اللغة و مقاییس اللغة اثر احمد بن فارس، م 395 ق و تهذیب اللغة اثر محمد بن احمد ازهری، م 370، المخصص و المحکم و المحيط الاعظم اثر علی بن اسماعیل بن سیده، م 458 ق و صحاح جوهری و دیگر قاموس های لغت که زمان تالیف آن نزدیکتر به صدر اسلام است، استفاده شود.

قرینه دیگری که برای فهم «نصوص» در دسترس است، بررسی چگونگی کاربرد لغت یا عبارت در سایر آیات و روایات و دعاها است.

مرحوم مولف در این وادی خبره است، او عمری به ایراد سخنرانی می پرداخته و با سخنان معصومان (علیهم السلام) مانوس بوده، هم به معجم هایی مثل سفینه البحار و میزان الحکمه مراجعه می کرده، هم در تنظیم یادداشت و فیش برداری، روش های کارآمدی را اعمال می کرد و همان روش ها را در کلاس فن خطابه، آموزش می داد، با این همه همچنان بر فراگیری حدیث تاکید داشت، یکی از فضلا از مرحوم فلسفی نقل کرد: من نذر کرده ام روزی چهار حدیث حفظ کنم

ششم) از دیگر کاستی های این اثر نداشتن نمایه موضوعی است، اگر در چاپ های بعدی، چنین نمایه ای تهیه شود، این کتاب مرجعی کارآمد برای مبلغان خواهد شد.

هفتم) گاهی یک روایت یا آیه مکرر ذکر شده، به عنوان مثال در جلد سوم، صفحه دویست و هشت روایتی در باره حقوق فرزند آمده است و قبلا همین روایت در باره فرزند در جلد اول، صفحه صد و شش آورده شده است. همچنین در جلد سوم صفحه چهارصد و شصت و هشت و شش.

هشتم) از آموزندگی های این اثر ادب در گفتار است. در سراسر این اثر به هیچ کس اسائه ادب نشده و نام صنف یا گروهی به زشتی برده نشده است. از طرفی نام پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم و شخصیت ها، بسیار موقر و محترمانه ذکر شده است، مثلاً پیامبرگرامی اسلام، پیامبر اکرم، قرآن شریف، قرآن مجید، حدیث شریف، دعای شریف مکارم الاخلاق این کتاب آسمانی.

نهم) نظم منطقی و مشخص بودن موضوع در هر جلسه، درس، از نکات آموزنده دیگر کتاب است. نگارنده هر گاه در چند فصل سخن می گوید، از همان آغاز، این نکته را خاطر نشان می کند و هر گاه مبحثی تمام می شود، پیش از ورود در بخش دیگر به روشنی مخاطب رابا خبر می کند و او را آگاهانه به همراه خود می برد.

گلچینی از تفسیر دعا

اللهم صل علی محمد و آل محمد

امام سجاد (ع) در آغاز همه دعاهای صحیفه، بر پیامبر (ص) و اهل بیت گرامیش (ع) درود می فرستد. در جمله اول دو مطلب قابل بحث است، یکی مشروعیت اصل دعا و آن دیگر، درود بر نبی معظم اسلام قبل از آغاز دعا.

دعا یکی از قطعی ترین امور دینی و از جمله ضروریات اسلام است، در ادیان انبیای گذشته و نزد پیامبران سلف نیز دعا امری حتمی بوده است. دعا گاهی قابل استجاب است و گاهی به علل و مصالحی قابل پذیرفتن نیست، اما آنچه در بین تمام دعاها که همیشه مستجاب می شود، دعای صلوات است. در روایات آمده که چون دعای درود بر پیغمبر مورد پذیرش است، برای این که دعاهایتان مستجاب شود، در آغاز دعا، به رسول اکرم (ص) و اهل بیتش صلوات بفرستید و سپس تقاضای خود را بگویید. حضرت علی (ع) می فرماید:

«کل دعاء محجوب عن السماء حتی یصلی علی محمد واله». (2)

و امام صادق (ع) می فرماید: وقتی یکی از شما در پیشگاه خداوند دعا می کند البته تقاضای خود را با صلوات بر پیامبر (ص) آغاز کند، چه آن که درود بر پیامبر (ص)، مقبول درگاه الهی است و چنین نیست که خداوند دعایی را که شامل چند مطلب است و با صلوات بر نبی آغاز شده، قسمتی را بپذیرد و قسمت دیگر را رد کند. (3) در روایت دیگری است: «در پایان دعا هم درود بفرستد». (4)

گاهی افراد از روی عدم توجه، دعا‌هایی می‌کنند که از نظر حفظنظام عالم عملی نیست و ائمه معصومین (علیهم السلام) در مواقعی به افراد تذکر داده‌اند و آن تذکرات به صورت حدیث در کتب اخلاق آمده، تا مردمی که از آن به بعد می‌آیند و پیرو اسلام‌اند، متوجه آن دقایق و نکات شوند. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است، دعا کننده نگوید: اللهم لا تحوجنی الی احد من خلقک فانه لیس من احد الا هو محتاج الی الناس بل یقول: اللهم لا تحوجنی الی شرارخلقک، ولا یقول: اللهم انی اعوذبک من الفتنه بل یقول: من مضلات الفتن و ان لا یسال فوق قدره فانه یشتحق الحرمان. (5) در هنگام دعا نباید بگوید: بارالها مرا محتاج به هیچیک از مخلوقات خودمنا، زیرا هر انسانی محتاج به دیگران است. بلکه بگوید: خداوند! مرا به اشرار خلقت محتاج منما؛ و نگوید: خدایا! ازفتنه و امتحان به تو پناه می‌برم. زیرا آزمایش و امتحان الهی قطعی است، بلکه در مقام دعا بگوید: خدایا از آن امتحاناتی که موجب لغزش و باعث گمراهی و کجروی می‌شود، به تو پناه می‌برم. دعا کننده، از خدا بالاتر از ارزش و قدر و منزلت خود تقاضا ننماید، که شایسته محرومیت است.

دو دیدگاه در معنی ایمان

«و بلغ بایمانی اکمل الایمان»

جمعی از محققان را عقیده بر آن است که: ایمان از ماده «امن» و آن حالت آرامش و اطمینان خاطری است که در باطن انسان تحقق می‌یابد. پس ایمان تنها عقیده قلبی است. اقرار به زبان و عمل به بدن، از شرایط ایمان است. این گروه به آیات زیر استشهاد می‌کنند. (کتب فی قلوبهم الایمان) (6) ایمان را در دل های آنان [حزب الله] نوشته است.

(قالت الاعراب آمنا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا اسلمنا و لمایدخل الایمان فی قلوبکم) (7)

اعراب بادیه نشین گفتند: ما ایمان آوردیم، بگو ایمان نیاورده اید، بلکه اسلام آورده اید و هنوز ایمان در دل های شما داخل نشده است. در آیاتی هم (و عملوا الصالحات) بر (الذین آمنوا) (8) عطف شده است. اگر عمل صالح جزء ایمان و مجموع عقد قلب و عمل یک چیز باشد، آن گاه «عمل صالح» که خودش جزء ایمان است عطف بر نفس خود، یعنی ایمان شده، در حالی که عطف شی به نفس خود از نظر ادبی غلط است، پس باید گفت: «عمل صالح» ایمان نیست. در مقابل آنان، محققانی هستند که می‌گویند: ایمان هم عقد قلب است و هم عمل جوارح. این گروه به آیات و روایاتی نظیر حدیث نبوی زیر استدلال می‌کنند: «الایمان معرفه بالقلب و قول باللسان و عمل بالا رکان». (9) ایمان عبارت از عرفان قلب و عقیده باطنی و همچنین گفتار زبان و عمل جوارح و ارکان است. در تاریخ، افراد فراوانی بوده‌اند که حق را شناخته و منکر شده‌اند، مانند: ابلیس و ابوجهل و فرعون. آیات متعددی در قرآن نیز این نظریه را تایید می‌کند. (10)

امام صادق (ع) در این باره فرموده است: تمام ایمان عمل است، اگر برادران و خواهران مسلمان بخواهند طبق گفته قرآن شریف، واجد ایمان باشند، باید هر سه مرتبه ایمان را در نظر داشته باشند، از جهت زبان، اعتراف، و در مقام عمل اوامر الهی را اطاعت کنند، تا بتوانند جایگاه خود را در صف مردم با ایمان و مؤمنین راستین قرار دهند.

امام سجاد (ع) به خداوند عرضه می دارد:

خداوندا، نیت مرا به بهترین نیت ها منتهی بفرما و عمل مرا به بهترین اعمال پایان ده.

از رسول اکرم (ص) در روایت زیر، عملی را نیک می دانند که با سنت هماهنگ باشد و می فرمایند:

«لا یقبل قول الا بالعمل ولا یقبل قول و عمل الا بنیه ولا یقبل قول و عمل و نیه الا باصابه السنه». (12)

سخن پذیرفته نمی شود، مگر با عمل، سخن همراه با عمل قبول نمی شود مگر با نیت و سخن و عمل و نیت مقبول نیست، مگر آن که منطبق با سنت باشد. خداوند از اعمال نیک، خرسند می شود. اماگاهی در حالی که انسان عمل صالحی را انجام می دهد عمل شایسته تری که نزد خدا محبوبیت بیشتری دارد، پیش می آید، در این حال، افراد باایمان بهتر است که از پی انجام کاری که نزد خدامحبوتر است بروند. به عنوان نمونه در چندین روایت آمده است:

اگر فردی در حال طواف است و مسلمانی برای استمداد به نزد او می آید و تمنای کمک فوری می کند، باید طواف کننده در پی به جاآوردن حاجت آن برادر مسلمان رود، زیرا اجابت برادر مسلمان در نزد خدا محبوب تر است - و هر گاه مشکل او را برطرف و او رادلشاد کرد، برگردد و به طواف خود ادامه دهد. در روایت ابوحزمه از حضرت سجاد (ع) است، که می فرماید: «ان احبکم الی الله عز وجل احسنکم عملا و ان اعظمکم عندالله عملا اعظمکم فیما عندالله رغبه». (13)

عبادت منفور

اگر فردی وظیفه شناس نباشد و اولویت های اوامر الهی را مراعات نکند، گاه ممکن است عمل خوبی که بدان مشغول است، مطرود درگاه الهی بشود و حتی موجب سقوط او گردد.

امام صادق (ع) در این باره می فرماید:

پیرمرد مقدسی در بنی اسرائیل خدا را عبادت می کرد. در یکی ازمواقع عبادت، دید که دو کودک خروسی را گرفته و پر و بال او رامی کنند و خروس فریاد می زند، ولی این پیرمرد عابد همچنان به عبادت خود ادامه داد و به این امر مهم توجه نکرد که باید آن دو کودک را از این عمل ناروا منع کند، از این رو خداوند او رامجازات کرد. (14)

یقین

«واجعل یقینی افضل الیقین»

راه وصول به ایمان کامل در حدیثی از امام موسی بن جعفر (علیهماالسلام) چنین بیان شده است. «وجدت علم الناس فی اربع: اولها ان تعرف ربک والثانی ان تعرف ما صنع بک والثالث ان تعرف ما اراد منک و الرابع ان تعرف ما یخرجک من دینک». (15)

علم مردم را در چهار چیز یافته ام: اول آن که خدایت را بشناسی، دوم آن که بدانی در تو چه آفرینشی را به کار برده، سوم آن که بدانی در آفرینش تو چه اراده ای داشته، چهارم آن که بدانی چه چیز تو را از دینت بیرون می برد.

معیار سعادت

حضرت علی (ع) درباره معیار سعادت فرموده است:

«الدنيا كلها جهل الا مواقع العلم، والعلم كله حجه الا ما عمل به، و العمل كله رياء الا ما كان مخلصا، والاخلاص على خطر حتى ينظر العبد بما يختم له». (16) جميع شوون دنیا برای ما ناشناخته است، مگر مواردی که به آن ها عالم شده باشیم و تمام علم های ما، در نزد خدا حجت است و با آن علم در قیامت با ما احتجاج می کند، مگر آن علمی که بر طبق آن عمل شده باشد و تمامی اعمال ما خودنمایی است، مگر آن هایی که همراه خلوص نیت و پاکی ضمیر باشد. پس از آن می فرماید: اخلاص در عمل را خطری بزرگ تهدید می کند، تا روزی که انسان ببیند که چگونه وضع اش ختم می شود و عمرش پایان می پذیرد.

عالی ترین سجایای انسانی

«وهب لی معالی الاخلاق و اعصمنی من الفخر».

بار الها به من برترین اخلاق را عطا فرما و از فخر و مباهات به مکارم اخلاق، در بین مردم مصون و محفوظم بدار. رسول گرامی (ص) فرموده:

خداوند دوستدار اخلاق برجسته است و از فرومایگی و خلقیات پست بیزار است. (17)

مکارم و محاسن اخلاقی

محاسن اخلاق و مکارم اخلاق با یکدیگر متفاوت هستند.

(محاسن اخلاق) به معنای (خوی خوب و پسندیده) است و (مکارم اخلاق) به معنای «بزرگواری و کرامت نفس». در روایات زیادی آمده است که، عموم اخلاق حمیده و به ویژه مکارم اخلاق در قیامت، کفه اعمال خوب را سنگین می کند و موجب نجات و رستگاری می شود. علاوه بر این در روایتی آمده است که، تخلق به مکارم اخلاق همچنین مایه سعادت و رستگاری در زندگی دنیوی است. عن امیرالمؤمنین (ع) قال: «لو كنا لا نرجوا جنة ولا نخشى نارا ولا ثوابا ولا عقابا لكان ينبغي لنا ان نطلب مكارم الاخلاق، فانها مما تدل على سبيل النجاح». (18) اگر به فرض، به بهشت امید نمی داشتیم و از عذاب الهی خائف نمی بودیم، شایسته انسانیت آن بود که در پی مکارم اخلاق باشیم، زیرا کرامت خلق، ما را به راه رستگاری هدایت می کند و موجبات سعادت را فراهم می آورد.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس

اما امیرالمؤمنین (ع) در توصیه به مکارم اخلاق و پرهیز از مدارا بانااهل می فرمایند: «احمل نفسك من اخيك عند صرمة على الصلوة وعند صدوده على اللطف والمقاربة و عند جموده على البذل و عند تباعده على الدنو و عند شدته على اللين و اياك ان تضع ذلك في غير موضعه او ان تفعله بغير اهله». (19) خود را در باره برادرت وادار کن که وقتی از تو جدا می شود به او بپیوندى و در هنگام روگردانی اش با لطف و محبت به او نزدیک شوی و زمانی که دچار بخل و امساک می شود به او کرامت کنی و چون از تو دوری کند توبه او نزدیک شوی و موقع تندى و شدتش، تو با نرمی و ملایمت با او سخن گویی و بپرهیز از این که تذکرات مرا نابجا و بی مورد به کار بندى و آن ها را با افراد نااهل که لایق فضیلت اخلاقی نیستند اعمال کنی.

کفایت امور

«واکفنی ما یشغلنی الاهتمام به».

بار الها کفایت کن مرا در چیزی که اگر خود به انجام آن همت گمارم وقتم را اشغال و از کارهای اساسی بازم می دارد.

این جمله از دعا در باره کارهایی است که هدف از آن ها فقط انجام عمل است و شخص معینی در انجام آن ها مورد نظر نیست. چه بسا افرادی که لایق و شایسته اعمال بزرگ هستند اما قسمت مهمی از عمرشان در کارهایی صرف می شود که دیگری هم می تواند به نیابت شان آن را انجام دهد.

بازجویی الهی

«واستعملنی بما تشالنی غذا عنه»

بار الها مرا عامل کارهایی قرار ده که فردای قیامت در باره آن ها از من سؤال خواهی فرمود.

امام صادق (ع) فرمود: از جمله مواعظ لقمان به فرزندش این است:

«واعلم انک ستسال غذا اذا وقفت بین یدی الله عز و جل عن اربع: شبابک فیما بلیته و عمرک فیما افنیته و

مالک مما اکتسبته و فیما انفقته». (20)

در قیامت، وقتی در جایگاه حساب قرار گرفتی، چهار چیز را از تومی پرسند: جوانیت را چگونه گذراندی؟ عمرت را در

چه راهی صرف کردی؟ مالت را از کجا به دست آوردی؟ و آن را در چه راهی مصرف کردی؟

هادی بندگان

«واجعلنی... و من ادله الرشاد و من صالحی العباد» بار الها مرا از راهنمایان رشد و از بندگان صالح و شایسته قرار

ده. دعوت مردم به خداوند و هدایت آنان به صراط مستقیم، بس گرانقدر و مهم است، قرآن شریف در این باره

می فرماید:

(و من احسن قولا ممن دعا الی الله) . (21)

کدام انسان نیکو سخن تر از کسی است که خلق را به خالق دعوت می کند و با گفته های خود بذر ایمان در قلوب

شان می افشاند.

این وظیفه مقدس در وهله اول بر عهده رسول اکرم (ص) و جانشینان بر حق اوست. کسی که در این راه قدم بر

می دارد در واقع، راه رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) را می پیماید. این کار بزرگ، هدایت

یافته را از گمراهی می رهند و هدایت کننده رادر پیشگاه الهی سربلند می کند به شرط آن که هدایت و ارشاد

واجد شرایط لازم باشد.

شرایط ارشاد

1) ارشاد کننده باید - به موضوع دعوت خود - آگاه باشد و بابینش سخن گوید. قرآن شریف می فرماید:

(قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني) (22)

پیغمبر گرامی بگو! این است راه من، مردم را با بینش و بصیرت به سوی خدا می خوانم و پیروان من نیز دعوت

شان به سوی خداوند، آگاهانه و با بصیرت است.

عن زرارہ بن اعین قال:

«سالت ابا جعفر (ع) ما حق الله على العباد؟ قال ان يقولوا ما يعلمون و يقفوا عند ما لا يعلمون» (23)
زراره می گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم، حق خداوند بر بندگان چیست؟ در جواب فرمود: آن را که می دانند بگویند و در چیزی که اطلاع ندارند و نمی دانند توقف نمایند.

این وظیفه مهم و حق بزرگ الهی در یکی از آیات قرآن شریف باتعبیر خاصی این چنین بیان شده است:
«ولا تقف ما ليس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسؤولا». (24)
هرگز به آنچه در باره آن علم نداری اعتماد مکن و ناآگاه قدم بر ندار که گوش و چشم و دل آدمی در پیشگاه الهی مواخذ و مسؤول اند.

امام سجاد (ع) می فرماید:

«ليس لك ان تتكلم بما شئت لا ن رسول الله (ص) قال: رحم الله عبدا قال خيرا فغنم اوصمت فسلم». (25)
نباید هر چه را که خواستی، بگویی، زیرا رسول گرامی اسلام (ص) فرموده است: مشمول رحمت الهی باد آن کس که سخن خوب بگوید و سود برد یا سکوت کند و سالم بماند.
(2) سخن از عمق دل باشد.

ارشاد کننده باید از عمق دل سخن گوید. قرآن می فرماید:

(آمن الرسول بما انزل اليه من ربه). (26)

پیغمبر گرامی (ص) به آن چه از طرف خداوند بر وی نازل شده است، ایمان دارد. از این رو آن حضرت به ایمان آوردن مردم علاقه شدید داشت و تمام همتش در این راه مصروف می شد. و می خواست جامعه رابه خداوند، متوجه نماید. مرشد و راهنما هم باید این چنین باشد و هدفش هدایت باشد والا مشمول این روایت حضرت مسیح (ع) هستند که می فرمایند:

«بحق اقول لكم: لا تكونوا كالمنخل يخرج الدقيق الطيب و يمسك النخاله. كذلك انتم، تخرجون الحكمة من افواهكم و يبقى الغل في صدوركم». (27)

از روی حق به شما می گویم، همانند الک آردبیز نباشید که آردخوب و خالص را از خود بیرون می دهد و سبوس را نگاه می دارد، شما نیز مطالب حکیمانه را از دهان بیرون می دهید و در دلتان اندیشه های مضر باقی می ماند.
(3) هدایت از راه عمل

از شرایط ارشاد کننده این است که خود عامل به گفتارش باشد.

عمل، مایه اطمینان قلبی کسانی است که می خواهند راه هدایت و سعادت را بیابند و ارشاد شوند. علی (ع) در این باره می فرماید:

«علموا الناس الخير بغير السنتكم و كونوا دعاه القوم بفعلكم و الزموا الصدق والورع». (28)

خیرو خوبی را با غیر زبان به مردم بیاموزید، و دعوتتان به وسیله عمل باشد و هرگز از راستی و تقوا جدا نشوید.
قرآن کریم می فرماید:

(كبر مقتا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون). (29)

نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.

یکی از علل تاثیر و نفوذ عمیق اولیای گرامی اسلام در قلوب مؤمنین واقعی این بود که خودشان در انجام وظایف دینی پیش قدم بودند و به همه دستورهایی که به مردم می دادند، عمل می نمودند.
علی (ع) می فرماید:

«ایها الناس والله ما احثکم علی طاعه الا و اسبقکم الیها ولانها کم عن معصیه الا و اتناهی قبلکم عنها». (30)
قسم به خدا که هیچ وقت شما را به طاعتی ترغیب ننمودم، مگر آن که پیش از شما به آن سبقت جستم، و از
هیچ گناهی نهی تان ننمودم، جز آن که خود قبل از شما، از آن اجتناب داشتم.

پی نوشت ها :

1. شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، ج 2، ص 221.
2. سفینه البحار، ضمن شرح کلمه «دعا».
3. امالی شیخ صدوق، ج 1، ص 157.
4. سفینه البحار، ص 448 واژه «دعا».
5. سفینه البحار، ج 1، ص 447.
6. مجادله (58) : 22.
7. حجرات (49) : 14.
8. بقره (2) : 25 و 277، عصر (103) : 1.
9. میزان الحکمه، ج 1، ص 301.
10. (27) : آیه 14 (2) : آیه 146 و 143.
11. عصاره سخنرانی اول.
12. مستدرک الوسائل، ج 1، ص 8.
13. روضه کافی، ص 68.
14. مجموعه ورام، ج 2، ص 80.
15. بحارالانوار، ج 75، ص 328.
16. سفینه البحار، ج 1، ص 401، ماده خطر.
17. میزان الحکمه، ج 3، ص 146.
18. مستدرک الوسائل، ج 2، ص 283.
19. نهج البلاغه، نامه 31.
20. کافی، ج 2، ص 135.
21. فصلت (41) : 33.
22. یوسف (12) : 108.
23. میزان الحکمه، ج 5، ص 14.
24. اسرا (17) : 36.
25. تفسیر صافی، ص 315.
26. بقره (2) : 285.
27. تحف العقول، ص 510.
28. تاریخ یعقوبی، ص 152.

29. صف (61) 3.:

30. نهج البلاغه (صبحى صالح) ، خطبه 175.